

## نقد شیوه نگارش نام‌واژه‌های اسلامی در کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های اروپایی به فارسی

حسین ایمانیان<sup>۱</sup>

### چکیده

کار ترجمه میان هر دو زبان، کاری بس دشوار، زمان‌بر و نیازمند تجربه است. جدا از دو اصل آشنایی با زبان مبدأ و مقصد، آگاهی از موضوع و دانشمندی و پژوهشگری در آن زمینه نیز شرطی بسیار ارزشمند است؛ شرطی که گویا نزد برخی از مترجمان فارسی‌زبان در ترجمه کتاب‌های در پیوند با تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام نادیده گرفته شده و هنگام نگارش یا ضبط نام‌واژه‌ها (اعلام) پُرده از اندازه‌کاردانی و دانایی آن‌ها برداشته است. در جستار پیش رو، نخست به برخی از اشتباه‌های مترجمان فارسی‌زبان در ضبط نام‌های عربی-اسلامی به هنگام ترجمه متون از زبان‌های اروپایی اشاره، سپس به آسیب‌شناسی موضوع و راه کارهای برون‌رفت از این گرفتاری پرداخته شده است. روش انجام پژوهش، تحلیلی و بر پایه داده‌ها (= اشتباه‌هایی) بوده که نویسنده هنگام خواندن برخی از کتاب‌های ترجمه‌شده از متون اروپایی به فارسی یادداشت کرده است. هدف این است که مترجمان از ارزش درست‌نویسی نام‌واژه‌های اسلامی آگاهی یافته و ناشران با بهره‌گیری از ویراستاران کاردان عربی‌دان در این زمینه، از چاپ کتاب‌های پُراشتباه خودداری کنند. مهم‌ترین علت چنین اشتباه‌هایی، افزون‌بر تفاوت خط عربی و فارسی با خط‌های اروپایی، به ناآگاهی یا کم‌دانشی مترجم از موضوع نوشته و بهره‌گیری ناشران از خج و ویراستاران کاربرد برمی‌گردد. برخی از راهکارهای بازدارنده از نمود چنین اشتباه‌هایی چنین‌اند: ناشران، ویراستاران متخصص عربی‌دان را در یکی از گرایش‌های ادبیات و زبان‌شناسی عربی، تاریخ و فرهنگ اسلام برگزینند؛ ترجمه نوشتارهای در پیوند با تاریخ و فرهنگ اسلام و عرب، به متخصصان عربی‌دانی که انگلیسی آموخته‌اند سپرده شود؛ مترجم برای یافتن ضبط درست برخی از نام‌واژه‌ها به دائرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌های اعلام در زبان عربی نگاه کند و دست کم درباره مواردی که از اصل نام‌واژه آگاهی ندارد، برابر لاتین آن را در پاورقی بیاورد؛ مترجم غیرمتخصص، قوانینی را که درباره شیوه نگارش واژه‌های غیر عربی یا فارسی تدوین شده است بخواند. هرچند این راهکارها می‌تواند تا اندازه‌ای از اشتباه در نگارش نام‌واژه‌ها بکاهد، ولی هیچ‌یک نمی‌تواند به اندازه تخصص و آگاهی مترجم از موضوع متن، سودمند افتد. واژه‌های کلیدی: آگاهی از موضوع، نام‌واژه، خط عربی، خط لاتین، نقد ترجمه، ویراستاری ترجمه.

۱. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (imaniyan@kashanu.ac.ir) نویسنده  
مستول

## The Critique of the Method of Writing Islamic Proper Nouns in books Translated from European Languages into Persian

Hosein Imanian<sup>1</sup>

### Abstract

Translation work between both languages is very difficult, time-consuming and requires experience. Apart from the two conditions of familiarity with the first and second language, knowledge of the subject and research in that field is also a very valuable condition; the matter that seems to have been underestimated by some Persian-speaking translators in translating books written on the history and culture of Iran and Islam into European languages. This is more evident when writing or recording the names of people, places, books, etc. (proper nouns), revealing the extent of the translator's expertise and knowledge. In the present article, some mistakes of Persian translators in recording Arabic-Islamic names when translating texts from Latin languages (English, French, German, etc.) are presented and in the end, the ways out of this problem are explained. The research method was analytical and based on data (errors) that the author noted while reading some translated books. Our aim is for translators to be aware of the value of correct spelling of Islamic proper noun, and for publishers to avoid publishing books full of mistakes by using editors who are experts in Arabic in this field.

The most important reason for these mistakes, in addition to the difference between Arabic and Persian script and European scripts, is the translator's ignorance of the subject of the text and the publishers' lack of use of expert editors. Some of the solutions to prevent such mistakes are as follows: publishers, editors should choose one of the trends of Arabic literature and linguistics, Islamic history and culture; The translation of texts related to the history and culture of Islam and Arabs should be entrusted to Arabic experts who have learned English; in order to find the correct recording of some proper nouns, the translator should look at the encyclopedias and dictionaries of proper nouns in the Arabic language, and at least for the cases where he does not know the origin of the proper noun, he should give its Latin equivalent in the footnote; The non-specialist translator should study the rules that have been compiled about the way of writing non-Arabic or Persian words. Although these solutions can reduce the errors in recording proper names to some extent, none of them can be as beneficial as the translator's expertise and knowledge of the subject.

**Keywords:** knowledge of the subject, proper noun, Arabic script, Latin script, translation, translation criticism.

---

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran( imanian@kashanu.ac.ir). Corresponding Author

## مقدمه

گویا در این سال‌ها که ترجمه نوشته‌های خاورشناسان درباره تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام، خوشایند بسیاری از مترجمان و ناشران ایرانی افتاده است، خوانندگان نیز شیفتگی بیشتری به خواندن این گونه پژوهش‌ها نشان داده‌اند. بررسی درستی یا نادرستی و انگیزه‌ها و در یک سخن، آسیب‌شناسی این پدیده، جایی و مجال دیگری می‌جوید.

ترجمه چنین متونی، اما بسیار حساس و گاه دشوارتر از ترجمه نوشته‌هایی است که یک‌راست از زبان عربی به فارسی انجام می‌شود. این دشواری و حساسیت نه به ناهمسانی ساختار یا دستور زبان‌های اروپایی و زبان‌های فارسی و عربی، بلکه بیشتر به تفاوت خط‌های عربی، فارسی و اروپایی برمی‌گردد. هرچند اختلاف خط، مانع مترجم کم‌تجربه در ترجمه این گونه متون نمی‌شود، ولی ضبط نام‌های عربی را بر او دشوار می‌سازد. بدین معنا که نام‌واژه‌های عربی و ایرانی (کسان، جای‌ها، گروه‌ها، کتاب‌ها، خوراکی‌ها، آیین‌ها و...) چون هنگام ترجمه به یکی از زبان‌های اروپایی، به خط غیرعربی نگاشته شوند، دگرگون می‌شوند و اکنون که مترجمی فارسی‌زبان می‌خواهد آن متن را از آن زبانی اروپایی (برای نمونه، انگلیسی) به فارسی برگرداند، باید آگاهی بسنده درباره موضوع متن یعنی تاریخ و فرهنگ عربی-اسلامی داشته باشد، و گرنه چه‌بسا در تشخیص اصل این نام‌ها دچار اشتباه می‌شود. برای نمونه نام‌واژه «وَهَب بن مَنبَه» در ترجمه یک متن انگلیسی ممکن است به شکل «Wahab Ibn Munabbih» ضبط شود و اگر مترجم فارسی‌زبان نداند اصل این واژه چیست، ممکن است در ترجمه خود به فارسی، آن را مثلاً به شکل «وَحَب بن مونیب یا مونیبه» ضبط کند و این روی‌دادی است که در بسیاری از کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های لاتینی به فارسی، کم یا زیاد دیده می‌شود. این اشتباه‌ها گاه اندک و قابل چشم‌پوشی است و گاه زیاد و منحرف‌کننده. کم یا زیادی چنین اشتباه‌هایی، به تنهایی، می‌تواند نشان‌دهنده اندازه دانش، آگاهی، کاردانی و تخصص مترجم در این متون باشد. در اینجا است که نقش و ارزش شرط «تخصص در موضوع» و نه آگاهی سطحی از آن، در کنار «آشنایی<sup>۱</sup> با زبان مبدأ و مقصد» از همیشه روشن‌تر می‌شود و البته این «آگاهی از

۱. برخی به درستی باور دارند که در کار ترجمه، به جای «آشنایی» با زبان مقصد، باید با آن زبان «انس» داشت، انسی که تنها با غوررسی در متون کهنه و تازه آن زبان، شناخت کامل از دستورهای صرفی و نحوی‌اش، شیوه‌های واژه‌سازی، آرایه‌های ادبی و... به دست می‌آید. برای آگاهی از این موضوع در ترجمه به زبان فارسی، به مقاله ارزشمند غلامحسین یوسفی در کتاب *کاغذ زر* (۱۳۶۳، ص ۱۷۷-۲۰۱) ←

موضوع»، دیگرگون از دیدگاه برانیسلاو ملیناوسکی<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup> هدف از نگارش جستار پیش رو این است که نخست خود مترجمان انگلیسی یا فرانسوی یا آلمانی دانی که نوشته‌های در پیوند با فرهنگ ایران و اسلام را ترجمه می‌کنند، ارزش توجه به نام‌واژه‌های اسلامی و نگارش درست آن‌ها را بدانند و در دومین گام، مدیران نشرهای کتاب در ایران به ارزش این مسئله آگاهی یابند، از چاپ برخی از ترجمه‌های پُراشتباه خودداری کنند، یا دست کم، دانشیانی آگاه را در زمینه زبان و فرهنگ عربی-اسلامی به کار بگیرند؛ آگاهانی که شمارشان زیاد است و می‌توانند یاری‌رسان مترجمان انگلیسی‌دان و ناشران باشند.

اگرچه مسئولیت همه این گونه اشتباه‌ها بر گردن مترجم است و به آگاهی نابسندۀ وی از موضوع متن برمی‌گردد، ولی در فرایند چاپ و نشر این آثار، بخشی از آن به کوتاهی ناشران و نداشتن داوران و ویراستاران کاربلد نیز برمی‌گردد؛ بگذریم از این که بیشتر ناشران روزگار ما کاری مگر میانجی‌گری در چاپ پوشه‌ای (فایلی) از یک کتاب که نویسنده یا مترجمی در اختیار آن‌ها نهاده است، ندارند و به دیگر سخن، به جای انتشارات به چاپخانه تبدیل شده‌اند، چه برسد به این که بخواهند با داوران و ویراستاران آگاه در هر زمینه همکاری کنند. جالب اینجاست که بیشتر این اشتباه‌ها را در کتاب‌هایی می‌بینیم که در این چند دهه نزدیک به روزگار ما چاپ شده است، یعنی دقیقاً روزگاری که از شمار ناشران حرفه‌ای و حتی دولتی کاسته شده است و ناشران به علت هزینه‌های بالای چاپ، از هزینه‌هایی چون داورهای ویژه، ویراستاری و جز آن کاسته‌اند.

این که نام‌واژه (اسم خاص) چیست، چه شیوه‌هایی را می‌توان برای برابرگزینی نام‌واژه‌ها پیش گرفت و آیا اصلاً می‌توان این نام‌ها را به زبانی دیگر ترجمه کرد یا خیر؟ جایی در این جستار ندارند. نگارنده در پی پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

→ با عنوان «فایده انس با زبان فارسی در ترجمه» بنگرید. برخی دیگر مهارت مترجم در زبان مقصد را «بیان» نامیده‌اند، به معنی بازنویسی معنای انتزاع شده از متن اصلی بر اساس معیارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد (فروتن، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸).

#### 1. Bronisław Malinowski

۲. ملیناوسکی برای ترجمه نوشته‌هایی که دارای بار فرهنگی زیاد و ویژه زبان مبدأ است، پیشنهاد داده است که مترجم مقدمه‌ای - کوتاه یا بلند - بنویسد و خواننده را در فضای لازم برای درک اثر قرار دهد (نک: صلح‌جو، ۱۳۷۷، ص ۴۴-۵۴). به گفته صلح‌جو، این امر به دوری و نزدیکی دو فرهنگ مبدأ و مقصد، بستگی دارد (همان، ص ۵۰).

به چه دلیلی نگارش نادرست نام‌واژه‌های اسلامی و ایرانی در نوشته‌های برگردان‌شده از زبان‌های اروپایی به فارسی، آسیب‌رسان است؟  
علت پیش آمدن چنین اشتباه‌های گاه زیاد و آزاردهنده چیست؟  
چه راهکارهایی می‌توان برای برون‌رفت مترجم و ناشر از این گونه اشتباه‌ها پیشنهاد داد؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هرچند نگارش نادرست نام‌واژه‌های اسلامی و ایرانی در کتاب‌هایی که از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه می‌شود، به تفاوت خط‌های لاتین، عربی و فارسی و شیوه نگارش نام‌ها در هر یک از این خط‌ها برمی‌گردد، ولی به یقین کاردانی مترجم و آگاهی وی از موضوع متن ترجمه‌شده، مانع پیش آمدن این گونه اشتباه‌ها می‌شود، مگر اشتباه‌هایی که از سر‌شتاب‌زدگی و کم‌دقتی باشد.

چنین اشتباه‌هایی اگر در کتاب‌های درسی دانشگاهی باشد که نقش آموزشی دارند و چه‌بسا دانشجو را برای نخستین بار با یک نام آشنا می‌کنند، زیان‌های بیشتری دارند، چراکه ضبط نادرست واژه را در ذهن نوآموز نقش می‌بندد و سبب می‌شود او نیز در پژوهش‌های خود، چنین اشتباه‌هایی را تکرار کند<sup>۱</sup>. افزون‌براین، دیده شده است که دانشجویی حتی هنگام بهره‌گیری از منابع عربی در نگارش پایان‌نامه‌ها یا مقاله‌های خود، نام‌های انگلیسی را که در نگارش عربی، دگرگون شده، به همان شیوه مُعَرَّب، به کار می‌برد که برای خواننده فارسی‌زبان شگفت و ناشناخته می‌آید؛ برای نمونه به جای ضبط درست «نیچه، فلوگل، ریچارد، گریماس»، ضبط‌های عربی «نیتشه، فلوجل، ریتشارد، غریماس» را به کار می‌برد؛ و فراموش نکنیم که یافتن ضبط درست این نام‌های اروپایی به زبان فارسی، وقتی که به زبان و خط میانجی عربی راه یابد، گاه کاری دشوار و زمان‌بر است.

به هر روی، تنها مترجمان فارسی‌زبان نیستند که دچار چنین اشتباه‌هایی می‌شوند، و چه‌بسا مترجمان عربی‌زبانی که از تاریخ و فرهنگ اسلامی خود آگاهی ندارند نیز بدان گرفتار می‌شوند. برای نمونه مترجمان کتاب *علم الکلام و المجتمع* (به فارسی: دین و

۱. درباره ارزش کتاب‌های درسی و آموزشی دانشگاهی در فرایند یادگیری، نک: کریمی مطهر، ۱۳۹۶، ج

جامعه) نوشته ژوزف فان اس<sup>۱</sup> به عربی، که شناختی از دانشمند زن عراقی «نیبه عبود» نداشته‌اند، چون در متن آلمانی کتاب، نام وی را به شکل «N. Abbott» دیده، در ترجمه عربی خود آن را به شکل «أبوت» آورده‌اند (فان اس، ۲۰۱۶، ج ۲، ص ۷۶۷) و به جای «مصدع» در نام «وضین بن عطاء بن کنانه بن عبد الله بن مصدع»، «مصدع» (فان اس، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۲۱) و به جای «أبوذر عمر بن ذر المرهبی الهمدانی»، «أبوذر عمر بن ضر المرهبی الهمدانی» (فان اس، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۲۲۰) نگاشته‌اند. در این موارد، تنها چیزی که به مترجم کمک می‌کند تا دریابد واژگان «Abbott, Vahab» در فارسی و عربی باید به شکل «عبود» و «وهب» نوشته شود نه «ابوت» و «وحب»، آگاهی یا تخصص از موضوع متن ترجمه شده است؛ «یا هنگامی که مترجمی "شاذان" را از انگلیسی که به شکل "Shadhan" نوشته می‌شود "شادهان" بنویسد» (نک: افشار، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸)، نشان می‌دهد که وی هرگز نام و شخصیتی به نام «ابن شاذان» را نمی‌شناخته است. پس چگونه است که به ترجمه کتابی دست می‌یازد که از موضوع آن آگاهی نداشته، حتی شیوه نگارش یا تلفظ درست آن را در فارسی و عربی نمی‌داند؟

این گونه اشتباه‌ها، به گفته کامران فانی، در پیوند با «ظواهر کار است و خیلی زود خودش را نشان می‌دهد ... بنابراین در ترجمه، اول باید ضبط اعلام یعنی اسامی صحیح باشد و مترجم با رجوع به کتب مختلف می‌تواند آن را پیدا کند و این وظیفه اخلاقی مترجم است که حداقل را انجام دهد و کافی است شما در ترجمه یک کسی ببینید که "جعفری" را "جفری" نوشته و در بقیه کار او شک کنید»<sup>۲</sup> (افشار، ۱۳۷۷، ص ۱۲۷، ۱۲۸). چنین اشتباه‌هایی گاه نزد مترجمان پُرآوازه و پُرکار نیز دیده می‌شود، امری که به ما یادآور می‌کند: شرط آگاهی از موضوع برای مترجم و نقش ویراستار برای ناشر، تا چه اندازه بایسته و ارزشمند است. گاه شمار این اشتباه‌های ظاهری به اندازه‌ای است که ارزش کتاب و تلاش مترجم و آبروی ناشر را از میان می‌برد یا کم‌رنگ می‌کند. شمار زیاد این اشتباه‌ها در برخی ترجمه‌ها نشان می‌دهد که به راستی کمیت عربی برخی از مترجمان، لنگ می‌زند؛ اشتباه‌هایی را که البته اگر از سرب‌دقتی یا شتاب‌زدگی باشد، نمی‌توان به

1. Josef van Ess

۲. چنین شکی در دیگر بخش‌های ترجمه برخی از چنین مترجمانی هرگز بی‌انصافی نیست. مترجم کتاب جولیا بری (۱۳۹۵، ص ۲۸۹) عبارت «ذَفْنُکَ فِی اِسْتِی» را به شکل «ذکنک فستی» نگاشته و روشن است که وی درک درستی از شکل واژه‌های عربی این عبارت نداشته، هرچند آن را درست ترجمه کرده است.

حساب بی‌دانشی آن‌ها گذاشت و در اینجاست که مسئله دیگرگون می‌شود. به هر روی باید گفت که «هزار نکته باریک‌تر ز مو» در هنر ترجمه نهفته است و «نه هر که سر بتراشد قلندری داند».

اشاره به اشتباه‌های مترجمان فارسی‌زبان در ضبط نام‌های ایرانی-اسلامی، به هیچ‌روی موضوعی تازه نیست، بلکه از چند دهه پیش که بازار نقد کتاب و نقد ترجمه گرمی گرفته، یادداشت‌هایی هرچند کوتاه در این باره فراهم آمده است. ولی تکرار چنین اشتباه‌هایی به ویژه در این سال‌ها که شیفتگی برگرداندن نوشته‌های خاورشناسان در سر مترجمان جوان‌تر ایرانی فزونی گرفته، اهمیت پرداختن جدی‌تر به این موضوع و آسیب‌شناسی آن را بایسته می‌نماید. این اشاره‌های کوتاه، بیشتر در میان نقد ترجمه برخی کتاب‌ها آمده است، از جمله در مقاله کامران فانی «درباره ترجمه تفکر نوین سیاسی اسلام» (نک: پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۶) یا در مقاله بهروز تقی‌خانی درباره «ترجمه کتاب تأملی بر مصائب حلاج» (پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۶) و گاه نیز مترجمانی در بازگویی تجربه‌های خود به این نکته اشاره کرده‌اند، از جمله بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب ترجمه کاوی (خرمشاهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳، ۱۳۴). تا آنجا که جست‌وجو کرده‌ایم، تنها جستاری که جداگانه به این موضوع پرداخته است، مقاله «تغییرات آوایی و املائی در ترجمه‌های متون علمی» نوشته احمد ماه‌وان است (نک: لطفی‌پور ساعدی و رضایی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۹، ۲۱۰) و نویسنده تنها در دو صفحه به این گونه اشتباه‌های مترجمان در ترجمه متون خبری و مطبوعاتی اشاره کرده و نمونه‌هایی را نیز آورده است. به هر روی کوتاهی این نوشته‌ها و تکرار اشتباه‌های مترجمان، بایسته می‌کند تا به گونه‌ای ریزتر به طرح موضوع پرداخته، ژرفای فاجعه‌ای که در برخی از ترجمه‌ها روی می‌دهد نشان داده، دلیل‌ها و راه‌های برون‌رفت از آن بررسی شود.

نوشته‌هایی که درباره چستی نام‌واژه‌ها، دسته‌بندی، شیوه‌های برگرداندن یا ترجمه آن‌ها باشد، کمابیش زیاد است، از جمله می‌توان به مقاله‌های طباطبایی لطفی، معاذالهی، حسینی معصوم و شاه‌بیک، اسکندری و Zarei and Norouzi در بخش منابع پایانی این جستار اشاره کرد؛ آنس خالد ابراهیم<sup>۱</sup> (۲۰۱۵، ص ۱) در مقاله خود اشاره می‌کند که کدام یک از نام‌های خاص باید ترجمه شود و کدام یک نیازی به ترجمه ندارد و مترجم

باید به آوانویسی آن بسنده کند. افزون‌براین، پژوهشگران به شیوه‌های شناسایی نام‌واژه‌ها و نقش این مهم در یادگیری زبان دوم یا درک متون خارجی، نیز به گرفتاری شناسایی نام‌واژه‌ها در دستگاه‌های تشخیص گفتار<sup>۱</sup> و ترجمه ماشینی<sup>۲</sup> و جز این پرداخته‌اند و از این دست است: نویساروا و تاهارا<sup>۳</sup> (۲۰۰۵، ص ۱ و ۸) در مقاله‌ای ضمن اشاره به دشواری شناسایی نام‌های خاص، روشی را برای شناسایی خودکار نام‌واژه‌ها بر پایه داده‌های آماری پیشنهاد داده‌اند؛ کلاسن<sup>۴</sup>، به اهمیت و چگونگی شناسایی نام‌واژه‌ها در خواندن متون انگلیسی به‌عنوان زبان دوم پرداخته و به این نتیجه رسیده است که زبان‌آموزان انگلیسی چون در شناسایی نام‌های خاص ناتوان باشند، درک کم‌تری از متن انگلیسی خواهند داشت (۲۰۲۲، ص. ۱۴۹)؛ گیوا<sup>۵</sup> در رساله دکتری خود شیوه‌هایی را برای شناسایی خودکار نام‌واژه‌ها در برنامه‌های پردازش گفتار و شیوه درست تلفظ آن‌ها پیشنهاد داده است (۲۰۱۶، ص ۱ و ۵)، شیوه‌هایی که بیشتر با نگاه به شیوه تلفظ نام‌واژه‌ها در زبان‌های مبدأ است؛ نویسنده‌ای دیگر به گرفتاری و شیوه‌های بازگرداندن نام‌های خاص در ترجمه ماشینی (MT) پرداخته است (هورسکاینن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳، ص ۱-۵).

کمابیش همه مترجمان فارسی‌زبانی که در این جستار از آن‌ها سخن گفته‌ایم، مشکلی در شناسایی نام‌واژه‌های اسلامی برگردانده‌شده به خط‌های لاتین نداشته‌اند، زیرا شناسایی این واژه‌ها به دلیل آغازشدنشان با حرف‌های بزرگ کمابیش در همه‌جا امکان‌پذیر است، ولی گرفتاری یا چالش آن‌ها در شیوه درست نگارش این نام‌ها به فارسی بوده است. موضوع جستار پیش‌رو نه با راه‌های شناسایی نام‌های خاص پیوند دارد، نه با نقش این امر در یادگیری زبان دوم یا ترجمه ماشینی و ...؛ مترجم فارسی‌زبانی که نوشته‌ای را در ارتباط با تاریخ و فرهنگ اسلام از لاتین به فارسی برمی‌گرداند، افزون‌بر توانایی شناسایی نام‌واژه‌ها باید با اصل یا ریخت درست نام‌ها در زبان یا خط عربی-فارسی آشنا باشد و چنین آشنایی، تنها با دانشمندی در زمینه تاریخ و فرهنگ اسلام به دست می‌آید و هیچ‌یک از ابزارهای ماشینی یا رایانه‌ای نمی‌تواند کاملاً یاری‌رسان او باشد.

1. speech recognition
2. machine translation
3. Shiho Nobesawa & Ikuo Tahara
4. Kimberly Klassen
5. Oluwapelumi Giwa
6. Pronunciation
7. Hurskainen



## روش

پژوهش پیش‌رو که از گونه کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی است، نخست به طرح موضوع اشتباه مترجمان در ضبط نام‌واژه‌های اسلامی-ایرانی پرداخته، آسیب‌های آن را برای متن ترجمه، خواننده، مترجم و ناشر، بیان می‌کند، سپس به نمونه‌هایی از این اشتباه‌ها که بیشتر در نوشته‌های ترجمه‌شده در پیوند با حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی است، اشاره می‌کند و در پایان به بررسی دلایل گسترش این گونه اشتباه‌ها نزد مترجمان می‌پردازد و راه‌کارهایی برای بهبود کیفیت ترجمه به زبان فارسی نشان می‌دهد. از آنجا که نمی‌توان به بررسی همه یا بیشتر ترجمه‌های متون اسلامی از زبان‌های اروپایی پرداخت، نگارنده تنها به اشتباه‌هایی پرداخته که اتفاقی و با خواندن برخی کتاب‌ها در این سال‌ها بدان‌ها دست یافته است. بررسی همه ترجمه‌ها به دلیل این که هر روز این گونه ترجمه‌ها وارد بازار می‌شود، کاری نشدنی است؛ پس نادرست است اگر گمان شود تنها همین مترجمان یادشده، دچار چنین اشتباه‌هایی شده‌اند.

## یافته‌ها

### اشتباه‌های مترجمان در ضبط نام‌واژه‌ها

در اینجا قصد خرده‌گیری از متون ترجمه‌شده به فارسی و برجسته کردن اشتباه‌ها یا ناآگاهی و کم‌دانی مترجمان را نداریم، بلکه با آوردن نمونه‌هایی نشان داده می‌شود که گاه مسئله فراتر از امری گذرا و کم‌یاب است و گویی به پدیده یا جریانی گسترده میان مترجمان جوان‌تر تبدیل شده و چه بسا ترجمه آن‌ها را فاجعه‌آمیز کرده است. راه‌کارهای پیشنهادی می‌تواند تا اندازه زیادی جلو چنین اشتباه‌هایی را بگیرد و برای مترجمان به‌ویژه کم‌تجربه‌تر سودمند آید.

همان‌گونه که گفته شد، علت آشکار شدن چنین اشتباه‌هایی، در گام نخست به ناآگاهی یا ناآشنایی مترجم به موضوع متن ترجمه‌شده برمی‌گردد. پس از این خواهیم دید که هرچه مترجم آگاهی و تخصص کم‌تری از موضوع داشته، این اشتباه‌ها بیشتر رخ داده ولی مترجمی که سال‌ها سرگرم پژوهش یا تدریس در یک زمینه بوده، در ترجمه نوشته‌های در پیوند با آن، کم‌تر دچار اشتباه شده است.

علت دیگر که پیش‌تر نیز بدان چشم‌زد داشتیم، به تفاوت خط‌های لاتین، عربی و

فارسی و شیوه‌های نگارش گوناگون یک نام‌واژه به هریک از این خط‌ها برمی‌گردد؛ در نمونه‌های نقدشده در این جستار، مترجم‌های فارسی‌زبان، معمولاً حروف کمابیش هم‌صدای «ا، ع»، «ح، ه»، «غ، ق»، «ث، س، ص»، «ت، ط» و «ز، ذ، ض، ظ» را که در لاتین برای هر دسته، کمابیش یک حرف وجود دارد، جابه‌جا نگاشته‌اند؛ برای نمونه نام‌های «مغیره، عسقلانی، ابن اثیر، دارالتقافه» به شکل «مقیره، اسقلانی، ابن اسیر، دارالصقافه» نوشته شده است.

در برخی نمونه‌های دیگر که مصوت‌های کوتاه عربی یا فارسی (اَ - اِ - اُ) گاه در زبان‌های لاتین با مصوت‌های بلند (ā, ī, i) ضبط شده، در نگارش به فارسی، به حروف کشیده «آ، او، ای» تبدیل شده است؛ برای نمونه به جای نام‌واژه‌های «قُزمان، کُتیبه، مُنبّه، رُبِنَجِن» نوشته‌اند «قوزمان، کوتوبیه، مونابیه، رابین‌جان». از این رو مترجم ناآگاه یا آگاه شتاب‌زده، دقت و درنگ نکرده و آن نام را به اشتباه به خط فارسی یا عربی درمی‌آورد. بنابراین شتاب‌زدگی خود یکی از دلیل‌های آشکارشدن چنین اشتباه‌هایی است.

نبود ویراستار آگاه از موضوع ترجمه در مؤسسه انتشاراتی نیز در گام پایانی، اشتباه‌های احتمالی مترجم را پوشانده و کار او را زیر تیغ منتقدان قرار می‌دهد، بگذریم از ناشرانی که حتی بدون ویراستاری زبانی و ظاهری، اقدام به چاپ یک کتاب می‌کنند. به هر روی، این امر از ناآگاهی، بی‌دقتی یا شتاب‌زدگی مترجم سرچشمه می‌گیرد و به غیرحرفه‌ای بودن ناشر پایان می‌پذیرد و برای هر کدام، به یک اندازه پیامد دارد.

شمار کم آن دسته از مترجمان انگلیسی یا فرانسوی‌دان به فارسی که هم‌زمان از تاریخ و فرهنگ عربی اسلامی نیز آگاه باشند، سبب می‌شود گاه مترجمی تنها به خاطر دانستن یک زبان خارجی یا نهایتاً علاقه‌مندی به یک موضوع، دست به ترجمه نوشته‌ای بزند که تخصصی در موضوع آن ندارد. عدم آشنایی بسیاری از این مترجمان از زبان عربی، سبب می‌شود آن‌ها نتوانند از فهارس اعلام، تذکره‌ها و دائرةالمعارف‌های عربی که ضبط درست بسیاری از نام‌واژه‌ها را در بر دارد، بهره ببرند.

نیابردن معادل انگلیسی یا لاتین نام‌ها در پاورقی نیز بر ناپسندی اشتباه‌های مترجم می‌افزاید، زیرا خواننده متخصص با نگاه به این معادل‌های لاتین، خود می‌تواند ضبط درست نام‌واژه را حدس بزند؛ هرچند زیاده‌روی در پانویسی، خود گرفتاری‌هایی دارد که پس از این بدان اشاره می‌شود.

## نام‌های کسان و جای‌ها

با نگاه به نمونه‌هایی که پس از این می‌آید روشن می‌شود که بیشترین یا آشکارترین و ناپسندترین اشتباه‌ها در ضبط نام‌واژه‌ها برمی‌گردد به نام‌های کسان (اشخاص و گروه‌ها، فرقه‌ها و...) و جای‌ها (شهرها، رودخانه‌ها، کاخ‌ها، مسجدها، بازارها و...)، به گونه‌ای که هر خواننده کم‌آشنا با موضوع را نیز شگفت‌زده یا سرگردان می‌کند.<sup>۱</sup> علت این امر، نخست به شمار زیاد نام‌های کسان و جای‌ها نسبت به دیگر نام‌واژه‌ها در کتاب‌های مرتبط با حوزه تاریخ و فرهنگ اسلام برمی‌گردد، سپس به درنگ یا ریزبینی کم‌تر مترجم در این نام‌ها نسبت به نام‌واژه‌های حوزه خوراک، پوشاک، جشن‌ها، آیین‌ها و... چرا که مترجم معمولاً در ضبط یک نام‌واژه اجتماعی یا فرهنگی، خود را ملزم به کسب آگاهی از نام و چیستی آن نام‌واژه می‌داند، از این رو، کم‌تر در ضبط نام‌واژه‌های اجتماعی-فرهنگی دچار اشتباه می‌شود.

چنین اشتباه‌ها در بسیاری از نوشته‌های ترجمه‌شده از زبان‌های لاتین به فارسی، کم‌یازید، دیده می‌شود. در برخی از کتاب‌ها شمار چنین اشتباه‌هایی به اندازه‌ای است که خواننده را بیش از خوانش و فهم کتاب، شیفته یافتن اشتباه‌های مترجم می‌کند. یکی از این‌ها کتاب *اعراب و ایرانیان بر اساس روایت فتوحات اسلامی* نوشته اسکات ساوران<sup>۲</sup> و ترجمه سمانه کدخدایی مرغزار است که نشر کمابیش معتبر «علم» آن را به سال ۱۳۹۸ش به چاپ رسانده است. در اینجا هدف ما این نیست که به نقد ترجمه این کتاب پرداخته و همه اشتباه‌های مترجم را برشماریم؛ همان‌گونه که باید حساب این کتاب را از دیگر

۱. هرچند موضوع این جستار درباره شیوه برگرداندن نام‌های اسلامی موجود در متن‌های لاتین به خط یا زبان فارسی است، ولی گویا بازگرداندن درست یا دقیق‌تر «نام‌واژه‌های کسان» از عربی یا فارسی به زبان‌های اروپایی نیز از برگرداندن دیگر نام‌واژه‌ها دشوارتر و حساسیت‌برانگیزتر است. در پژوهشی درباره موانع دانش‌آموزان در ترجمه اسم‌های خاص از عربی به انگلیسی، از بیست دانش‌آموز خواسته شده است بیست و نه نام خاص را از حوزه نام‌های شخصی، مکان‌های جغرافیایی، و مؤسسات و سازمان‌ها به انگلیسی برگردانند (دویک و السید، ۲۰۱۴، ص ۱۸۱)؛ شرکت‌کنندگان در این آزمون باور داشته‌اند که آگاهی اندک از هویت نام‌های خاص، مهم‌ترین مشکل یا مانع آن‌ها در ترجمه یا بازگرداندن این نام‌ها به زبان دیگر بوده است. آن‌ها گفته‌اند که فقدان دانش دینی، سیاسی و تاریخی یک چالش واقعی پیش روی‌شان بوده است و کمابیش همه نام‌های خاص مذهبی، سیاسی و تاریخی نیاز به دانش مترجم در این موضوع‌ها دارد. بیش‌تر شرکت‌کنندگان ترجمه نام‌های شخصی را در مقایسه با مکان‌های جغرافیایی و نام سازمان‌ها و مؤسسات، دشوارتر دانسته‌اند (همان، ص ۱۸۶).

2. Scott Savran

کتاب‌ها جدا کرد و نباید گمان کرد همه مترجم‌ها به این اندازه، شتاب‌زده کار کرده و ترجمه‌ای چنین پُراشتباه ارائه داده‌اند. مترجم گرامی، نام‌های «ذی یزن، جذیمه، امرؤالقیس، ابن هشام» را به شکل «زیزن، جزیمه، عمروالقیس، ابن حشام» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۸۳) نوشته و به جای «بکر بن وائل، خطیب بغدادی، بلاذری، تغلب»، «بکر بن واعل، خاتب بغدادی، بلاذوری، تغلیب» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۴۰۲، ۴۱۰، ۴۳۶، ۱۱۶) آورده و بسیاری موارد دیگر که نام‌های تاریخی به شکلی حیرت‌آور دگرگون و تحریف شده است. این دگرگونی گاه به اندازه‌ای است که تشخیص اصل برخی از این نام‌ها به آسانی فراهم نیست و چاره‌ای مگر نگاه به اصل متن انگلیسی کتاب یا اصل منبع عربی نیست. کاری نداریم که مترجم در برگرداندن یا نگارش نام‌های فارسی نیز گاه دچار اشتباه شده است، برای نمونه به جای عنوان «خسرو قبادان (کوادان، کواتان) و ریدک وی»، «خسرو کوادان عود ریداک ایو» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۹۴) و به جای «احسان یارشاطر»، «احسان یاشاتر» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۱۵) نوشته است!

از دیگر نمونه‌های اشتباه می‌توان به مواردی از ترجمه کتاب *مأمون* اشاره کرد، جایی که می‌خوانیم: «اقامتگاه اصلی خلیفه در بغداد در مرکز مدینه المدوره... قرار داشت» (کوپرسون<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶، ص ۳۴). مترجم، *مدینه المدوره* را که وصف شهر بغداد و به معنای دایره‌شکل بودن آن است، اسم علم پنداشته و آن را ترجمه نکرده، از همین رو این واژه را در نمایه کتاب نیز آورده است (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴). در جای دیگر نوشته است: «محققان استدلال می‌کردند که حدیث در کنار قرآن، هرآنچه را که نیاز است مؤمنان در مورد دین و شرع بدانند، در اختیارشان می‌گذارد» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۴۶)؛ وی می‌بایست به جای «محققان»، از واژه «فقیهان» بهره می‌گرفت؛ هرچند ممکن است این چشم‌پوشی و تساهل از سوی نویسنده باشد، ولی بر مترجم شرط است که برابری درست برای آن بیاورد. وی در جای دیگر می‌نویسد: «متکلمان، مخالفانشان را بنگی‌ها و آکندگرا (ظاهراً به این معنی که آن‌ها سرشان آکنده از شیر و ور و اراجیف است) خطاب می‌کنند» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۴۷). بنگی‌ها و آکندگرا باید نام ویژه دو فرقه باشد، ولی مترجم به جای این که آن دو نام را به عربی بیاورد، آن‌ها را ترجمه و کار را برای خواننده در شناخت نام و چیستی این دو گروه سخت کرده است.

مترجمی دیگر (نک: بری<sup>۱</sup>، ۱۳۹۵، ص ۶۳ و ۶۴) فرقه «سَبَّیْه» منسوب به عبدالله بن سبأ را به شکل «سبعیه» و نام پایه گذارش را به شکل عبدالله سبع می‌نویسد! همو در ترجمه متنی که اصلش در *نشوار المحاضرة تنوخی* (۱۹۹۵، ج ۴، ص ۲۴۰) به شکل «رجلین أنفَذَهما صاحبُ أرمينية إلى ناصرالدولة للأعجوبة فیهما»<sup>۲</sup> است، می‌نویسد: «حاکم ارمنستان دو مرد را به عنوان لالعجوبه نزد ناصرالدوله فرستاد» (بری، ۱۳۹۵، ص ۳۸۸) و خواننده گمان می‌کند که «لالعجوبه» نام آن دو شخص است. نوشتن ضبط‌های «جرج مکدسی، هارونی، آزوری، سبائی، فضل بن شدهان، حسن بن ثابت، بقیلانی، هر قوس» (پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۸) به جای «جورج مقدسی، حورانی، عازوری، سباعی، فضل بن شاذان، حسان بن ثابت، باقلانی، حرقوص و...» و «بقوی، جهدر، مسهر، مهمه، عدمی» (پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۲۹۹) به جای «بغوی، جحدر، مظهر، محمی، ادمی» از دیگر نمونه‌هاست.

از آنجا که شمار اشتباه‌های مترجمان در نگارش نام‌های کسان و جای‌های اسلامی بسیار زیاد است، در جدول ۱ به نمونه‌هایی دیگر اشاره می‌کنیم.

جدول ۱ برخی از اشتباه‌های مترجمان در نگارش نام‌واژه‌ها

نادرست	درست	نادرست	درست
دارالاحیاء التورات العربی (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۱۳)	دار إحياء التراث العربی	صعالیک	صعاليق (دنیل <sup>۳</sup> ، ۱۳۶۷، ص ۱۸)
انتشارات المتبع السلافیه (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۷)	دار المطبعة السلفية	خریش...	حارش بن سلیم (دنیل، ۱۳۶۷، ص ۳۶)
دار الصقافه (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۰)	دار الثقافة	... قریظ	لاهن بن قریض (دنیل، ۱۳۶۷، ص ۸۸)
بین النحرین (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۸)	بین النهرین	خُریریه	حوریریه (دنیل، ۱۳۶۷، ص ۱۴۲)
معمر بن مسنی (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲)	معمر بن مثنی	سائب خاثر	صائب خاثر (دودپوتا، ۱۳۸۲، ص ۳۴)
عبید بن عبرث (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲)	عبید بن الأبرص	یزید بن ربیع...	یزید بن ربیع بن مفرغ (دودپوتا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۳)

1. Gulia Bray

۲. برگردان: والی ارمنستان دو مرد را به خاطر شگفتی‌ای که در آن‌ها بود، نزد ناصرالدوله فرستاد.

3. Andre Miquel

ادامهٔ جدول ۱

نادرست	درست	نادرست	درست
ساطیح و شتق (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۶۴)	سَطیح و شِق	اسود بن خریمه، اذافر (دودپوتا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹)	اسود بن ابی کریمه، عذافر
ابن اسیر (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۷۸)	ابن اثیر	هنین بن اسحاق، ثابت بن قراء (برتلس، ۲۵۳۶، ص ۲۳)	حنین بن اسحاق، ثابت بن قره
کیندای... عاکل المرار (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۷۹)	کنده... آکل المرار	بشیر المعتمر (برتلس، ۲۵۳۶، ص ۱۹)	بشر المعتمر
وحب بن موناییه (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۱۸۲)	وهب بن مئبه	منصور بن مؤتمر (برتلس، ۲۵۳۶، ص ۲۵۸)	... معتمر
حمد الراویه (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۹۱)	حماد الراویه	الأسمعی (برتلس، ۲۵۳۶، ص ۲۸۲)	الأصمعی
سع سع بن ناجیه بن اقالم جاشعی (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۹۲)	صعصعه بن ناجیه بن عقال المجاشعی	البکون (برتلس، ۲۵۳۶، ص ۲۸۱)	البکاؤون
أکاز (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۴۰۰)	عکاز	عرفا و هران (سینگر، ۱۳۹۶، ص ۲۲۷)	اورفا و حران
الاسقلانی (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۴۱۳)	العسقلانی	کونیا <sup>۳</sup> (سینگر، ۱۳۹۶، ص ۲۳۰)	قونیه
مقیره بن شعبه (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۴۲۶)	مغیره....	سیجیلماسا، مارینی (سینگر، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱)	سجیلماس، مرینی
عبدالملك اسماعی، عذد (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۷۰، ۱۷۳)	عبدالملك أصمعی، أزد	ربیعہ الدعویہ (سینگر، ۱۳۹۶، ص ۲۳۸)	رابعه العدویه
قوزائه و قسان (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲)	قضاعه و غسان	شعیب الارنعتون (کوپرسون، ۱۳۹۶، ص ۱۵۷)	شعیب الأرنؤوط
مفضل ذبیح (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲)	مفضل ضبی	سید احمد سقر (کوپرسون، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸)	سید احمد سقر
المفضل الضابی، حماد الراویا (بری، ۱۳۹۵، ص ۳۸)	المفضل الضبی، حماد الراویا	حارث المحسبی (جابری، ۱۳۹۶، ص ۳۰۱)	حارث المحاسبی

1. Evgeny Edvardovich Berthels
2. Amy Singer

۳. هرچند که این ضبط نیز در فارسی، کاربرد دارد، ولی قونیه پر کاربردتر است.

## ادامه جدول ۱

نادرست	درست	نادرست	درست
احمد بن هنبیل (بری، ۱۳۹۵، ص ۵۸)	احمد بن حنبل	ربیعہ العدوی (جابری، ۱۳۹۶، ص ۳۱۶)	رابعه العدویه
مالک بن اناس، عبدالملک بن مروان، زبیر بن الاعوام (بری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲، ۱۵۹)	مالک بن أنس، عبدالملک... العوام	کعب الأخبار (جابری، ۱۳۹۶، ص ۳۳۵)	کعب الأخبار
میرباد، ابن قطیبه، بنتاذر (بری، ۱۳۹۵، ص ۲۰۷، ۳۵۳، ۳۹۷)	مربد، ابن قتیبه، بنتاذر	ساری الرقاع (زاهدی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹)	السری الرقاع
حمید الگار (پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۸)	حامد الگار	بیدهون، العوش، اورسن، خشابه (جمیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۶، ۱۸، ۳۸، ۴۰)	بیضون، العُش، عُرسان، خشبه

برخی نام‌واژه‌های اسلامی نیز هستند که شکل نگارشی کهن‌تر آن‌ها در خط‌های اروپایی (لاتین) با ضبط عربی بسیار تفاوت دارد و مترجمی که از نگارش یا ضبط درست نام‌های کمابیش ساده‌بالا که چیزی مگر آوانویسی<sup>۱</sup> نیست، ناتوان باشد، به یقین نخواهد توانست دریابد اصل یا ضبط فارسی نام‌هایی چون «Plato, Cyrus, Galen, Saladin, Kharrijites Ottomans, Orthodox Caliphs»، «افلاطون، کوروش، جالینوس، صلاح‌الدین [یوبی]، خوارج، عثمانی‌ها، خلفاء راشدین» است.

## نام‌های کتاب‌ها

ضبط نادرست نام کتاب‌ها نیز مانند نگارش نادرست نام کسان و جای‌ها، از اشتباه‌های آشکار در برخی از ترجمه‌هاست. مترجم نام آوازه و پُرکار ما، مسعود رجب‌نیا برخی از کتاب‌ها را به شکل زیر نگاشته است: «صِلَت تاریخ طبری»، به جای «صِلَه...»؛ «قُطوب السُرور...» به جای «قُطَب السُرور...»؛ «الْوَصَلَى إِلَى...» به جای «الْوَصَلَه إِلَى...»؛ «أَخْبَار الرِّضَى...» به جای «أَخْبَار الرِّاضَى»؛ «حکایات...» به جای «حکایَه...»؛ «شفاء القلیل...» به جای «شفاء القلیل» (نک: أحسن، ۱۳۶۹، ص ۷ و ۸). ابوظالب صارمی مترجم کتاب تفکر نوین سیاسی اسلام به جای «التقص عبد الجلیل قزوینی، لُهوَف، الغدیر، مَنهَج العنایات، التحدیات المعاصره، الحُسنین علیه السلام»، «النقد عبد الجلال، لحوَف، القدیر، منهج العنایه، التهديدات

المحاصره، الحسين اللهي» آورده است (نک: پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۰). در کتاب *دوره عربی زیبایی در ادبیات فارسی نیز فرنام «الشعر فی ضلال البرامکه»* (زاهد، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳) به جای «الشعر فی ضلال البرامکه» نگاشته شده است. مترجمی دیگر عنوان‌های نادرست «التوراث والحداثه، قرائت و تعملت فی المسرح الاعریقی» را به جای «التراث والحداثه، قراءه وتأملات فی المسرح الإغریقی» نوشته است (جمیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۹، ۳۷). در ترجمه کتاب *اعراب و ایرانیان، انصاب العرب* به جای «أنساب العرب» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۸۳)؛ «اخبار یمن و اشارها و انصابها»، به جای «أخبار الیمن وأشعارها و أنسابها» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۸۸)؛ «نهایت العرب» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۵) به جای «نهایه الأرب»؛ «فضل العرب والتنبیه علی علمیه» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۷) به جای «...علومها»، «ذیل العمالی والنوادر» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۴) به جای «ذیل الأمالی و النوادر»؛ «جمهرات النصب» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۴) به جای «جمهره‌النسب» نوشته شده و در یک جا نام نویسنده و نوشته او یعنی «آلبرت ارزی: ابونواس قتل السویط» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۶) تا اندازه‌ای دگرگون شده است که روشن نیست اصل این واژه‌ها چه بوده است! مترجم همین کتاب، «وفیاد الأعیان» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۶) را به جای «وفیات الأعیان»؛ «آل تاج» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۵۰) را به جای «التاج»، «الامتع والمعانسه» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۳۶۱) را به جای «الامتع والمؤانسه»، «أسماعیات» (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۷۰) را به جای «أصمعیات» نوشته است. مترجم حتی عناوین کتاب‌ها را در فهرست‌نامه پایانی که نباید ترجمه شود، به فارسی برگردانده و خواننده تنها با دشواری و درنگ بسیار می‌تواند دریابد نام اصلی برخی از آن‌ها چه بوده است (برای آگاهی از این کار مترجم، به بخش ضمیمه آن کتاب نگاه کنید).

### نام‌های دیگر

نام‌های خوراکی‌ها، پوشاک‌ها، جشن‌ها و بسیاری از نام‌های در پیوند با حوزه‌های آیینی و مردمی نیز گاه در ترجمه‌ها به شکل اشتباه ضبط شده است؛ هرچند ضبط اشتباه این واژه‌ها به اندازه نام‌های کسان و جای‌ها گمراه‌کننده و آسیب‌رسان نیست، ولی به هر روی اشتباه است و متن ترجمه باید از وجود آن پیراسته باشد. از جمله است موارد زیر در ترجمه رجب‌نیا: قرع به جای قرع (کدو)؛ خَصَّ به جای خَسَّ (کاهو)؛ خُمَاص به جای حُمَص (نخود) (نک: أحسن، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸ و ۱۱۹)؛ شادغلی [نام یک جشن] به جای شادگلی



(أحسن، ۱۳۶۹، ص ۳۲۰) [که اصل آن در پارسی، شادگلی بوده است]؛ تهذیق [نام یک جشن] به جای تحذیق (أحسن، ۱۳۶۹، ص ۳۵۵) و...؛ البته رجب‌نیا این واژه‌ها را به فارسی نیز ترجمه کرده است و شکل درست واژه عربی در ذهن خواننده آشنا به موضوع کتاب، نقش می‌بندد. مترجم کتاب مأمون نیز «الرضا من المٌحمد» (کوپرسون، ۱۳۹۶، ص ۷۵، ۷۶) را به جای اصطلاح بسیار معروف «الرضا من آل محمد» آورده است. مجید سرسنگی، به جای «ذُو الخَلَصَة» که نام یکی از بُت‌های اعراب جاهلی بوده، و به جای «رادود» که برابر مداح شیعیان است، واژه‌های «ثوالخلسه و ردود» را آورده (جمیلی، ۱۳۸۵، ص ۴۰، ۴۶) و نمی‌دانیم چرا نام یک رقص روزگار جاهلی را که اصل آن بر ما روشن نیست و بهتر است ترجمه نشود، به «رقص زنان پرنده‌سان» (همان، ص ۴۰) برگردانده است.

#### راهکارهای برون‌رفت از اشتباه در نگارش نام‌ها

پیش از آن که به راه کارهای برون‌رفت از این گونه اشتباه‌ها پردازیم، باید اشاره شود که چه‌بسا خواننده‌ای ادعا کند چنین اشتباه‌هایی به این اندازه هم زشت و زننده نیست و آسیبی به فهم خواننده و اعتبار مترجم نمی‌رساند. در پاسخ به او می‌توان گفت که چنین اشتباه‌هایی برای خواننده آگاه به تاریخ و فرهنگ تازی و اسلامی، دقیقاً به‌سان نگارش نام‌های «سعدی، حافظ، فردوسی، نوروز و مهرگان» به شکل «سعدی، هافز، فردوسی، نوروظ و محرگان» برای خواننده ایرانی و آشنا با شعر پارسی و فرهنگ ایرانی است؛ می‌بینیم که نگارش نام‌های ایرانی به شکل اشتباه، تا چه اندازه ناپسند می‌نماید. و از آنجا که بسیاری از کتاب‌های ترجمه‌شده، خود منبعی برای پژوهش‌های آینده می‌شود، ممکن است پژوهشگران و دانشجویان تازه‌کار رشته‌های گوناگون تاریخ، فرهنگ و ادبیات، همین اشتباه‌های گاه فاجعه‌بار را تکرار کرده، نام‌واژه‌ها را به همان شکل اشتباه به کار برده، خواننده را گمراه سازند. بگذریم؛ اکنون به برخی از راه کارهایی که برای رهایی مترجم از این اشتباه‌ها به ذهن می‌رسد، اشاره می‌شود:

الف) نخستین راه کار این است که ناشران، ویراستاران متخصص و کاربلد عربی‌دان را در موضوع‌هایی که به یکی از گرایش‌های ادبیات و زبان‌شناسی عربی، تاریخ اسلام و... در پیوند است، به کار بگیرند تا جلو چنین اشتباه‌هایی که هرازگاهی از ارزش ترجمه می‌کاهد گرفته شود. ویرایش تخصصی و محتوایی اثر ترجمه‌شده را - نه ویرایش زبانی و ظاهری آن - تنها ویراستاران متخصص و دارای صلاحیت علمی می‌توانند انجام بدهند.

چنین ویراستارانی «بایسته است صلاحیت‌های یک مترجم را هم داشته، به زبان مقصد و مبدأ تسلط کافی و با موضوع کتاب یا نوشته آشنایی داشته باشند، مشکلات و مسائل ترجمه را بدانند، به منابع و مراجع اشراف داشته باشند و...» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱). «سازمان‌های انتشاراتی [نیز] با آن که می‌دانند ویرایش بر هزینه‌های چاپ می‌افزاید، با بهره‌گیری از ویراستاران، حیثیت خود را حفظ کرده و لغزش‌ها و کوتاهی‌های نویسندگان [و مترجمان] را جبران می‌کنند» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷). ولی گویا هزینه‌های زیاد چاپ در این سال‌ها و گسترش شمار ناشرانی که همیشه خواسته‌ها و هدف‌هایی کاملاً علمی ندارند، سبب شده است بسیاری از ناشران به‌ویژه خصوصی، نه تنها کار را به ویراستار علمی و متخصص نسپارند، بلکه حتی بدون ویراستاری زبانی و ظاهری، به چاپ کتاب‌ها همت گمارند! به گفته قلیچ‌خانی «حوزه عمل ویرایش و ویراستار در ایران به گستردگی غرب نیست و امروزه بیشتر در معنی آماده کردن اثر از جهت زبان و محتوا و نیز شکل ظاهری آن (پاراگراف‌بندی، نشانه‌های نقطه‌گذاری، تنظیم پانویس و...) به کار می‌رود» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹) و همان‌گونه که گفته شد، در بسیاری از انتشاراتی‌ها همین کارهای نخستین نیز انجام نمی‌شود؛ به همین دلیل است که گاه فاجعه‌ای رخ می‌دهد مانند آنچه در ترجمه اثر «اسکات ساوران» بدان اشاره شد. تازه چنین اشتباه‌هایی در ضبط نام‌ها، چیزی است که با یک نگاه پُرشتاب به متن برخی ترجمه‌ها، به چشم منتقد می‌آید و چه بسا اگر ویراستاری متخصص، به مقابله متن اصلی و ترجمه‌ها نیز پردازد، پرده از بسیاری اشتباه‌ها یا دریافت‌ها و برداشت‌های نادرست مترجمان برافتد و در آنجاست که اندازه و ژرفای فاجعه ترجمه، روشن‌تر شود. اگر نگاهی بیندازیم به همین ترجمه‌های نقدشده در این جستار، روشن می‌شود که در ترجمه‌های زیر نظر ناشران حرفه‌ای و باسابقه‌تری که ویراستارانی دانشمند دارند، کم‌تر چنین اشتباه‌هایی رخ داده است<sup>۱</sup> و اگر پژوهشگری پُرحوصله و شکیباً به هم‌سنجی ترجمه‌ها نزد ناشران گوناگون پردازد، احتمالاً به چنین نتیجه‌ای خواهد رسید.

۱. کتاب‌هایی که در این جستار به نقد ترجمه‌های آن‌ها پرداخته شده است، در نشرهای امیرکبیر، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، اختران، صدای معاصر، علم، علمی و فرهنگی، نامک، دشتستان، دانشگاه لرستان و سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به چاپ رسیده‌اند. همان‌گونه گفته آمد این ترجمه‌ها از روی تصادف برگزیده شده‌اند و چه بسا اگر به ترجمه‌های چاپ‌شده در نشرهای دیگر نیز نگاهی بیندازیم، چنین اشتباه‌هایی - کم یا زیاد - دیده شود.

ب) بهترین راه کار این است که مترجمان گرامی، ترجمه نوشته‌های در پیوند با تاریخ و فرهنگ اسلام و عرب را به متخصصان عربی‌دانی که انگلیسی نیز می‌دانند، بسپارند. مشکلی که در اینجا پیش می‌آید این است که در ایران، این هر دو را کم‌تر در یک تن سراغ داریم؛ یعنی چه‌بسا مترجمانی که انگلیسی می‌دانند، ولی از تاریخ و فرهنگ عربی اسلامی ناآگاه‌اند یا عربی‌دان‌هایی داریم که انگلیسی نمی‌دانند. طبیعی است که معمولاً مترجمان دسته نخست خطر کنند و وارد حوزه ترجمه این گونه نوشته‌ها شوند. البته هستند مترجمان انگلیسی‌دانی که از فرهنگ عربی اسلامی نیک آگاه‌اند؛ ما کاری به این دسته نداریم. اکنون که مترجمانی با این ویژگی‌ها کم‌تر پرورش می‌یابند - پرداختن به دلایل آن جایی دیگر را می‌جوید - راهکار این است که مترجمان انگلیسی‌دان با همکاری آگاهان زبان و فرهنگ عربی دست به ترجمه زده یا این که پس از پایان ترجمه، نوشته خود را به ویراستاری آگاه و کاملاً متخصص به مسائل زبان عربی بدهند تا از آشکار شدن اشتباه‌های گاه فاجعه‌گونه پرهیز شود.

اشتباه‌های زیاد در برخی از ترجمه‌ها نشان می‌دهد که چه‌بسا مترجمان غیرمتخصص، تنها به علت دانستن زبان انگلیسی و نهایتاً علاقه به یک موضوع تاریخی یا زبانی، دست به ترجمه نوشته‌هایی می‌زنند که آگاهی از زبان عربی و دانش‌های گوناگون در حوزه‌های وابسته به آن را می‌طلبد؛ نه دانستن انگلیسی به تنهایی و نه علاقه به یک موضوع، هیچ‌یک نمی‌تواند شرط و اصل بسنده برای دست یازیدن به ترجمه متون در پیوند با این حوزه‌ها باشد. همین مترجم کتاب *اعراب و ایرانیان* که برخی از اشتباه‌های ترجمه او را آوردیم، به گفته خود در مقدمه کتاب، دانش آموخته رشته حقوق است (ساوران، ۱۳۹۸، ص ۲۸) و طبیعی است که به هیچ عنوان از نام‌ها و موضوع‌های کتاب، شناختی نداشته باشد و از این روست که اشتباه‌های وحشتناک - از گونه‌هایی که دیدیم - در ترجمه وی دیده شود، در حالی که مترجم کتاب *فتوحات مسلمانان در آسیای میانه* از آنجا که به گفته خود او چندین سال در دانشگاه، تدریس تاریخ اسلام در آسیای میانه را داشته است (گیب<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶، ص ۱۶)، خود را از چنین اشتباه‌هایی رهانده و در مقدمه خود، به نمونه‌هایی از این اشتباه‌ها که در ترجمه نخست کتاب آمده، اشاره کرده است. برای نمونه وی یادآور می‌شود که مترجم نخست، نام‌های «بکیر بن وشاح، قیسی، ورقاء، جدیع و رافع» را به گونه «بقیر بن وشاح، قویسی، ورقه، جدی و رفیع» ضبط کرده است (گیب، ۱۳۹۶، ص ۲۹).

روشن است که سه شرط آگاهی از زبان مبدأ و مقصد و موضوع ترجمه، شرط‌های بسنده برای آغاز کار ترجمه نیست، ولی سه شرط بایسته برای دست‌یازیدن به ترجمه به‌شمار می‌آیند، و این نکته‌ای است که بسیاری بر آن تأکید ورزیده‌اند (برای نمونه، نک: پورجوادی، ۱۳۶۵، ص ۶ و ۲۳؛ حسینی، ۱۳۷۵، ص ۹۱، ۹۲). وجود چنین اشتباه‌هایی در یک ترجمه - مگر آن‌که از سرب‌ی دقتی و شتاب‌زدگی یا کم‌شمار باشند - نشان می‌دهد که برخی مترجمان، حتی شرط‌های بایسته را برای ترجمه ندارند، از دیگر شرط‌های درجه دوم و سوم بگذریم.

با همه این سخن‌ها، ممکن است مترجمی با کتاب یا نوشته‌ای روبه‌رو شود که در بردارنده موضوع‌هایی تخصصی و از حوزه‌های گوناگون باشد؛ در این موارد بایسته است خود مترجم یا ناشر، هر بخش کتاب را به آگاهانی در آن زمینه‌ها داده تا آن‌را از جنبه تخصصی و به ویژه، ترجمه اعلام به فارسی، بررسی و ویرایش کنند.

ج) نگاه به دائره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌های اعلام در زبان عربی مانند *المُتَجَدِ فِی الْأَعْلَامِ* لوئیس معلوف و کتاب‌های تراجم و تذکره‌های عربی چون *وفیات الأعیان* ابن خلکان، *معجم الأدباء* یاقوت حموی، *الأعلام* زرکلی، *أعیان الشیعه* سید محسن امین و... یا جستجویی ساده در اینترنت که در روزگار ما در دسترس همگان است، ضبط درست بسیاری از نام‌ها را پیش روی مترجم قرار می‌دهد. آری کار ترجمه نه تنها به گفته کامران فانی «آدم را بی‌سواد نگه می‌دارد» (افشار، ۱۳۷۷، ص ۱۴۸)، بلکه کاری است بسیار زمان‌بر، و برخی از مترجمان به ویژه دانشجویان ناپخته‌تر به گمان این‌که ترجمه کاری آسان و زودبازده است، به کار دشوار ترجمه روی می‌آورند؛ بگذریم از این‌که برخی از این مترجمان، هنوز با زبان مادری خود یعنی فارسی نیز آشنایی و انسی ندارند.

البته عدم آشنایی با زبان اصلی کتاب‌های شرح حال (تراجم) و دائره‌المعارف‌ها نیز که بیشتر به زبان عربی است، سبب می‌شود مترجم نتواند از آن‌ها بهره بسنده را ببرد و در یافتن شخصیت مورد نظر خود، دچار سختی و چه بسا اشتباه شود و از آنجا که هر روز به نام‌های خاص در هر حوزه افزوده می‌شود و هیچ فرهنگنامه‌ای نمی‌تواند همه نام‌ها را در خود جای دهد، همچنان تخصص و دانشمندی مترجم است که تلفظ و ریخت درست نگارش یک نام‌واژه را برای او فراهم می‌کند.

د) راه کار آغازین و ساده دیگر این است که مترجمان ناآگاه از موضوع کتاب، قوانینی را که عربی‌زبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها (چون خط هر دو یکی است، تفاوت زیادی ندارد) درباره شیوه نگارش واژه‌های غیرعربی یا فارسی تدوین کرده‌اند، خواننده و دریابند

که برابری حروف در هر یک از خط‌های لاتین و عربی یا فارسی چیست؟ هر چند همین قوانین، خود، گرفتاری‌هایی دارد و حتی با فراگیری آن‌ها نیز ممکن است اشتباهی صورت گیرد؛ برای نمونه حرف‌های انگلیسی «z» و «dh» برابر حروف «زاء، ذال و ضاد» در زبان عربی است و اگر در نامی یکی از این حروف بیاید، تنها مترجم آگاه است که درمی‌یابد آن را به کدام یک از حروف سه‌گانه در فارسی یا عربی، ضبط کند. یا وقتی در یک متن انگلیسی واژه «thamarat» آمده است، باز این تخصص و آگاهی در موضوع است که روشن می‌کند، برابر آن «ثمره» است یا «ثمرات». مانند چنین اشتباهی را پیش‌تر در نگارش مسعود رجب‌نیا از نام کتاب «حکایه ابی القاسم البغدادی» دیدیم که وی به شکل «حکایات» نوشته بود. مترجم ناآگاه ممکن است «Khansa» را به اشتباه «خَنَسَه» بپندارد نه «خَنَسَاء» یا نداند که شکل درست «Arafat»، «عرفه» است یا «عرفات»؟

بنابراین چنین راه‌کاری هرگز نمی‌تواند جای آگاهی و تخصص مترجم یا ویراستار را پر کند. مشکل دیگری که بر این گونه اشتباه‌ها دامن می‌زند این است که اروپایی‌ها نیز برخی نام‌های عربی را به شکل‌های گوناگون می‌نویسند و باز این دانشمندی و پژوهشگری مترجم است که او را از افتادن به گرداب اشتباه می‌رهاند؛ برای نمونه «نام شاهین» که در زبان انگلیسی به شکل Shahin نوشته می‌شود، در فرهنگ‌های فرانکوفونی یا فرانسه‌زبانی، بیشتر به شکل Chehine کاربرد دارد» (URL: ۱۴۰۰). این که چرا چنین اختلافی میان لاتینی‌زبان‌ها دیده می‌شود؟ مترجمان یا انجمن‌های زبان‌شناسی اروپا چه راه‌هایی برای برگرداندن نام‌های عربی-اسلامی به زبان‌های گوناگون یافته‌اند؟<sup>۱</sup> و آیا همه خاورشناسان از روش یا شیوه‌ای یگانه پیروی می‌کنند یا خیر؟ موضوعی است دیگر و اکنون جای پرداختن به آن نیست. به هر روی، این مترجم متخصص است که می‌داند برابر ضبط فرانسوی واژه بالا، باید ضبط «شاهین» را بیاورد نه برای مثال «شِهینه». و اینجاست که راستی سخن استاد خرماشاهی روشن می‌شود، آنجا که می‌گوید: «مترجم باید پژوهنده هم باشد» (خرماشاهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

۱. فرهنگستان‌های زبان عربی در برخی کشورها، قاعده‌هایی دربارهٔ برابرگذاری حرف‌های لاتین با حرف‌های زبان عربی گردآوری کرده‌اند و خواندن این نوشته‌ها تا اندازه‌ای - هر چند کم - به مترجم فارسی‌زبان کمک می‌کند که اصل واژه عربی را تشخیص دهد. «فرهنگستان زبان عربی قاهره بر اساس اصولی که بر پایهٔ نظام آوانگاری جهانی است، شیوه انتقال حروف و حرکات از زبان لاتین به عربی را تعیین کرده است» (ناظمیان، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲).

ه) راه دیگر این است که مترجمان ناآگاه، دست کم در برخی موارد که از اصل نام‌واژه آگاهی نمی‌یابند، برابر اروپایی آن نام عربی را نیز که در متن اصلی به کار رفته است، در پاورقی بیاورند تا خواننده اصل واژه را ببیند.<sup>۱</sup> چنین راهکاری را نمی‌توان برای همه نام‌های یک متن، پیش گرفت، چراکه خواننده را ناچار می‌کند همواره به حاشیه یا پی‌نوشت صفحه نگاه بیندازد، در حالی که نیازی به نگارش برابر لاتین همه نام‌ها نیست و این تنها برای مواردی است که آن نام، بسیار کم کاربرد و ویژه باشد. زیاده‌روی در پانویسی، خود گرفتاری‌هایی دارد و به گفته حسن صلح‌جو (۱۳۷۷، ص ۵۳ و ۵۴)، «هر زیرنویس و هر توضیح خارج از متنی به معنای قطع کردن فرایند طبیعی و جویبارگونه رفتن به درون متن است ... این درست شبیه آن است که ما در حال سخن گفتن باشیم و رشته کلام - و در حقیقت رشته تفکر - ما را پاره کند ... مترجم توانا کسی است که بداند کجا پانویست بدهد و کجا ندهد».

مترجم کتاب *خیریه در جوامع اسلامی* چه بسا به سبب دشواری ضبط اعلام عربی و آگاهی از ناتوانی خود در تشخیص اصل برخی از آن‌ها، کمابیش ضبط انگلیسی همه نام‌ها را در پاورقی آورده است. مترجم *اسلام و تمدن اسلامی* نیز با این که کم‌تر در نگارش نام‌واژه‌های پُرشمار کتاب دچار اشتباه شده، در پانویس، برابر لاتین بیشتر نام‌ها را آورده است. درست است که این کار گرفتاری‌هایی ایجاد می‌کند، ولی دست کم خواننده می‌تواند تشخیص بدهد که در چه مواردی نام‌ها به اشتباه ضبط شده‌اند؛ همان‌گونه که چند مورد از این اشتباه‌ها در این دو کتاب نیز دیده می‌شود.

و) افزون بر این‌ها مترجم می‌تواند با نگاه به نشانه‌هایی که در خود متن ترجمه آمده است، مانند اشاره نویسنده به تألیف‌ها یا زندگی‌نامه شخص و کتابی که می‌خواهد به فارسی آوانگاری کند و ... جست‌وجویی کوتاه درباره آن شخص یا کتاب داشته باشد، به شیوه درست نگارش نام‌ها دست یابد. این راهی است که حتی مترجمان پخته نیز - دست کم درباره برخی نام‌ها - باید پیموده و با درنگ، کندی و ریزینی بیشتری کار ترجمه را به پیش ببرند، چه برسد به مترجم‌های کم‌تر آزموده و ناآگاه از موضوع. برای نمونه مترجم پُرکار هنر و معماری *اسلامی* چون در جایی، نوشته‌های نویسنده کتاب را درباره *مقامات* حریری و شیوه گزارشگری راوی و رفتار قهرمان به فارسی برگردانده، با جست‌وجویی

۱. آوردن برابر نام‌های بیگانه چه عربی و اسلامی باشد، چه لاتین، یکی از شاخص‌های ارزیابی زبانی هر نوشته به‌شمار می‌آید (در این باره، نک: رضی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

ساده در اینترنت یا کتاب چاپ‌شده *مقامات*، می‌توانست دریابد که شیوه نگارش درست نام این دو تن، «حارث بن همّام» و «ابوزید سروجی» است، نه «حارث بن حمّام و ابوزید سروج» (اتینگهاوزن و گرابر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۶، ص ۵۳۳/۱) و «قصر الحلابات» در اردن درست است نه «قصر حلابت» (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۶، ص ۳۶). یا مترجم کتاب *اسلام و تمدن اسلامی* با کمی درنگ و شکیبایی از نشانه‌های موجود در متن نویسنده و جست‌وجو در منابع دیگر می‌توانست دریابد شیوه درست نگارش نام مسجد «کوتوبیه» و زجل‌سرای نامی «ابن قوزمان» و نویسنده پرآوازه «عبدالغنی النابلسی» (میکل، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۳، ۳۱۰، ۴۸۱) «کُتیبّه، ابن قُزمان و عبدالغنی النابلسی» است.

### بحث و نتیجه‌گیری

اشتباه در نگارش یا ضبط نام‌واژه‌ها در متونی که درباره فرهنگ و تاریخ عربی-اسلامی است و از زبان‌های اروپایی به فارسی برگردانده می‌شود، یکی از گرفتاری‌ها و دشواری‌های اصلی مترجمان به‌شمار می‌آید. هرچند این اشتباه‌ها، به تنهایی، آسیبی به درون‌مایه نوشته نمی‌زنند و جلو دریافت خواننده زبان مقصد را نمی‌گیرند، ولی از آنجا که به آسانی به چشم می‌آیند و ممکن است، دانشجویان و پژوهشگرانی را که از این نوشته‌ها بهره می‌برند، به گمراهی بیندازد، پسندیده نیست. این گونه اشتباه‌ها در سال‌های اخیر که شوق ترجمه نوشته‌های خاورشناسان به زبان فارسی، افزون گشته است، کم یا زیاد در بیشتر ترجمه‌ها به‌ویژه نزد مترجمان تازه‌کار دیده می‌شود.

هرچند ممکن است برخی بیندارند که تفاوت خط‌های اروپایی با عربی و فارسی، سبب می‌شود شیوه نگارش و گاه تلفظ نام‌واژه‌ها در زبان‌های گوناگون، متفاوت شده است، مترجم را دچار اشتباهی ناخودآگاه کند، ولی اگر شرط آگاهی از موضوع نزد مترجم فراهم باشد، از بسامد بسیاری از اشتباه‌ها کاسته خواهد شد؛ بگذریم از اشتباه‌هایی که نتیجه شتابزدگی مترجم است.

راهکارهایی که می‌تواند تا اندازه‌ای مترجم ناآگاه یا کم‌تجربه را چنین اشتباه‌هایی دور کند، عبارتند از: الف) ناشران، ویراستاران متخصص عربی‌دان را در یکی از گرایش‌های ادبیات و زبان‌شناسی عربی، تاریخ و فرهنگ اسلام برگزینند؛ ب) ترجمه

نوشتارهای در پیوند با تاریخ و فرهنگ اسلام و عرب، به متخصصان عربی‌دانی که انگلیسی آموخته‌اند، سپرده شود؛ ج) مترجم برای یافتن ضبط درست برخی از نام‌واژه‌ها به دائرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌های اعلام در زبان عربی نگاه کند و دست کم دربارهٔ مواردی که از اصل نام‌واژه آگاهی ندارد، برابر لاتین آن را در پاورقی بیاورد؛ د) مترجم ناآگاه از موضوع، قوانینی را که دربارهٔ شیوهٔ نگارش واژه‌های غیرعربی یا فارسی تدوین شده است بخواند. هرچند این راهکارها تا اندازه‌ای از اشتباه در نگارش نام‌واژه‌ها می‌کاهد، ولی هیچ‌یک به اندازهٔ آگاهی مترجم از موضوع و بهره‌گیری او یا ناشر از ویراستار متخصص، سودمند نیست.

پیراستن کتاب‌های ترجمه‌شده از نگارش نادرست نام‌واژه‌ها، از یک سو به اعتبار و ارزش کار مترجم و ناشر می‌افزاید و از دیگر سو، مانع نقش بستن ضبط نادرست نام‌واژه‌ها در ذهن دانشجو و پژوهشگر تازه‌کار می‌شود.

## منابع

- اتینگهاوزن، ر. و گرابر، ا. (۱۳۸۶). *هنر و معماری اسلامی*. ترجمهٔ ی. آژند. ج ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- أحسن، م. (۱۳۶۹). *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*. ترجمهٔ م. رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- اسکندری، م. (۱۳۹۶). بررسی تغییرناپذیرهای طبیعت و اسامی خاص در قرآن بر اساس طبقه‌بندی وینوگراوف با تکیه بر ترجمهٔ روسی کولی‌یف. *مجلهٔ سراج منیر*، ۲۸، ۸۵-۱۰۷.
- افشار، م. (۱۳۷۷). *سی سال ترجمه سی سال تجربه*. تهران: انوار دانش.
- برتلس، ی. ا. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *تصوف و ادبیات تصوف*. ترجمهٔ س. ایزدی. تهران: امیرکبیر.
- بری، ج. (۱۳۹۵). *کتابت و نوشتار در سده‌های میانی اسلام*. ترجمهٔ ع. کازرونی زند. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- التنوخی، م. (۱۹۹۵). *نشوار المحاضرة و أخبار المذاکره*. تحقیق ع. الشالجي. بیروت: دار صادر.
- جابری، م. ع. (۱۳۹۶). *عقلانیت اخلاقی عربی و تأثیر سنت خسروانی*. ترجمهٔ س. م. آل مهدی. تهران: اختران.
- جمیلی، ع. خ. (۱۳۸۵). *تعزیه در عراق و چند کشور اسلامی*. ترجمهٔ م. سرسنگی. تهران: فرهنگستان هنر.
- حسینی، ص. (۱۳۷۵). *نظری به ترجمه*. تهران: نیلوفر.
- حسینی معصوم، م. و شاه‌بیک، آ. (۱۳۹۲خ). بررسی راهبردهای برگردان اسامی خاص در ترجمهٔ رمان‌ها از انگلیسی به فارسی. *نشریهٔ مطالعات زبان و ترجمه*، ۱، ۴۹-۶۵.
- خرمشاهی، ب. (۱۳۹۱). *ترجمه کاوی*. تهران: ناهید.
- دنیل، ا. ل. (۱۳۶۷). *تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*. ترجمهٔ م. رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.



- دودپوتا، ع. م. (۱۳۸۲). تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی. ترجمه س. شمیسا. تهران: صدای معاصر.
- رضی، ا. (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی. نشریه سخن سمت، ۲۱، ۳۰-۲۱.
- زاهدی، ن. (۱۳۸۰). دوره عربی زبانی در ادبیات فارسی. ترجمه پ. منزوی. تهران: دشتستان.
- ساوران، ا. (۱۳۹۸). اعراب و ایرانیان بر اساس روایت فتوحات اسلامی. ترجمه س. کدخدایی مرغزار. تهران: علم.
- سینگر، ا. (۱۳۹۶). خیریه در جوامع اسلامی. ترجمه ف. سلجوقیان. اصفهان: قیسات.
- صلح‌جو، ع. (۱۳۷۷). گفت‌وگو و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
- طباطبایی لطفی، ع. (۱۳۹۶). مطالعه توصیفی راه کارهای معادل‌گزینی برای اسامی خاص قرآنی در پنج ترجمه انگلیسی. مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۱، ۹۹-۱۱۷.
- فان‌اس، ج. (۲۰۰۸). علم الکلام و المجتمع فی القرنین الثانی و الثالث للهجرة. ترجمه س. صالح. ج ۱. بیروت: الجمل.
- فان‌اس، ج. (۲۰۱۶). علم الکلام و المجتمع فی القرنین الثانی و الثالث للهجرة. ترجمه م. جمال بدر. و. ر. ح. قطب. ج ۲. بیروت: الجمل.
- فروتین، ع. (۱۳۹۸). پژوهشی در ضرورت تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان مترجمی عربی. فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۴۵، ۱۳۷-۱۵۹.
- کریمی مطهر، ج.، و خلجی، ع.، و محمدبیگی، م. (۱۳۹۶). مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کوپرسون، م. (۱۳۹۶). مأمون خلیفه عباسی. ترجمه م. طرزی. تهران: نامک.
- پورجوادی، ن. (۱۳۶۵). برگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لطفی‌پور ساعدی، ک.، و رضایی، ع. (۱۳۷۳). مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه. تبریز: دانشگاه تبریز.
- لطفی‌پور ساعدی، ک. (۱۳۷۸). مجموعه مقالات سومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه. تبریز: دانشگاه تبریز.
- گیب، ه. (۱۳۹۶). فتوحات مسلمانان در ماوراءالنهر. ترجمه محسن رحمتی. لرستان: دانشگاه لرستان.
- معاذالهی، پ. (۱۳۹۰). ترجمه ادبیات کودکان: بررسی ترجمه اسامی خاص شخصیت‌ها به‌طور ویژه. نشریه مطالعات ادبیات کودک، ۲، ۱۵۳-۱۶۸.
- میکل، آ.، و لوران، ه. (۱۳۸۱). اسلام و تمدن اسلامی. ترجمه ح. فروغی. ج ۱. تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ناظمیان، ر. (۱۳۸۱). روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- یوسفی، غ. (۱۳۶۳). کاغذ زر (یادداشت‌هایی در ادب و تاریخ). تهران: یزدان.

Dweik, B.S., & Al-Sayyed, S.W. (2016). Translating Proper Nouns from Arabic into English: Barriers and Procedures. *Arab World English Journal (AWEJ) Special Issue on Translation*, 5, 181-194.

Giwa, O. (2016). *Language identification for proper name pronunciation*. A thesis submitted

- in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, North-West University (Vaal Triangle).
- Hurskainen, A. (2013), Handling proper names in Machine Translation, Technical Reports in Language Technology. *Helsinki*, 12, 1-5.
- Ibraheem, A.K. (2015). Proper Names: Translating Reference and Application. *Journal of the College of Basic Education*, 92, 1-12.
- Klassen, K. (2022). Proper name theory and implications for second language reading. *Language Teaching* (Cambridge University Press), 55, 149 – 155.
- Nobesawa, Sh., & Tahara, I. (2005). Language Identification for Person Names Based on Statistical Information. *Proceedings of PACLIC 19*, the 19<sup>th</sup> Asia-Pacific Conference on Language, Information and Computation (Taipei, Taiwan), 1-8.
- Zarei, R., & Norouzi, S. (2014). Proper Nouns in Translation: Should They Be Translated?. *International Journal of Applied Linguistics & English Literature*, 6, 151-162.

#### پایگاه اینترنتی:

(یادداشت با عنوان: معالجة الأسماء العربية؛ تاریخ بازدید: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸) <https://ar.wikipedia.org/wiki/>